



بررسی کارکرد نهاد وقف در توسعه تمدن اسلامی در دوران سلجوقی



طیبه رستمی*

چکیده

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی که مسیر رشد آن را هموار می‌سازد، استفاده از نهاد وقف است. این نهاد که از دیرباز در تمدن‌های مختلف مورد توجه بوده، در ایران نیز حائز اهمیت است و در دوران ایران اسلامی، با تأیید و تبیین این نهاد توسط دین اسلام، زمینه‌های کارکرد آن متنوع‌تر گردید به گونه‌ای که شاهد استفاده از این نهاد در عرصه‌های مختلف دینی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی بوده‌ایم.

هرچند به نظر برخی از اندیشمندان، وقف بیشتر در فقه شیعه مورد توجه است ولی آنچه از فحوای مطالعات تاریخی به دست می‌آید این است که حکومت‌های مختلف اسلامی غیر شیعی نیز از این نهاد استفاده سرشار برده‌اند و توانسته‌اند موقوفات زیادی را برای جامعه به یارگار گذارند. در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی کارکردهای مختلف این نهاد در توسعه تمدن اسلامی در دوران سلجوقیان ایران خواهیم پرداخت.

گسترش مراکز دینی علمی همچون مساجد و مدارس نظامیه که برای گسترش فرهنگ شافعی و حنبلی مورد حمایت پادشاهان و امرای سلجوقی بود یکی از مهم‌ترین کارکردهای این نهاد در دوران سلجوقی است.

واژگان کلیدی: وقف، موقوفات، فرهنگ، تمدن اسلامی، سلجوقیان

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام؛ دانشگاه اصفهان.
rostamitayebe@gmail.com

وقف از لحاظ اجتماعی دارای اهمیت فراوان است و در تمامی اجتماعات، به‌عنوان یک اقدام برجسته شناخته‌شده است. از قرن‌ها پیش مردم نیکوکار ایران بخشی از اموال خود را به‌عنوان وقف، به امور خیریه، مانند تأسیس مدارس، بیمارستان‌ها، پرورشگاه‌ها، کمک به بیچارگان، مستمندان و بیماران، تهیه لوازم تحصیلی و لباس برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت و ترویج دین و اخلاق اختصاص داده‌اند که عمق تمایلات خیرخواهانه بشر و اهتمام او به مصالح و منافع هم‌نوعان خود را نشان می‌دهد. این عمل خدایسندانه از دیرباز به اشکال مختلف در تاریخ بشر وجود داشته است و اسلام نیز آن را در مسیر روشن جهت بخشیده است.

در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک و قصبه‌ها و دیه‌ها این اوقاف به‌وسیله‌ی مردمان نیک اندیش و نو دوست فراهم‌شده بود و گروه بسیاری از مردم به‌رایگان از آن سازمان‌های اجتماعی بهره‌مند می‌شدند و از درآمدهای املاکی که مخارج آن‌ها اختصاص به آن مؤسسات داشت سالیان دراز چرخ این سازمان‌ها در گردش بود. نتیجه‌ی این امر این بود که ثروتمندان، امیران و حکمرانان پول خود را در این‌گونه موقوفات به کار می‌گرفتند تا از نتیجه آن مطمئن باشند و مردم امروز نیز به پیروی از آداب و سنن دینی و اخلاقی گذشته املاک خود را متناسب با احتیاجات روز بر امور فرهنگی و بهداشتی و خیرات عمومی وقف می‌کنند.

وقف نامه‌ها از جمله اسناد دسته اولی هستند که می‌توانند به‌صورت روشنی نشانگر فرهنگ دینی و تاریخ اجتماعی و ملی هر قومی باشند. از نکات قابل توجه در این نوع اسناد توجه به زمان، مکان مشخص وقف و ... می‌باشد که با توجه موارد مصرف موقوفه می‌توان به دغدغه‌های فکری فرد واقف و کمبودهای جامعه در آن زمان پی برد؛ از سوی چگونگی تعیین تولیت موقوفه نشانگر وجود نوعی امنیت اجتماعی و اعتماد به وضع موجود می‌باشد.

وقف در لغت پارس به معنای ایستادن و پایداری است اما به دلیل آنکه وقف کلمه‌ای عربی بر وزن افعال به معنای ایستادن، توقف کردن و اطلاع دادن، و واژه الوقف به صورت اسم به معنای حبس، و واژه حبیس بر وزن فعیل نیز به معنای محبوس است یعنی هر چیز که از طرف مالکش به وجهی از وجوه حبس شده باشد فروش آن را ممنوع و با ارث منتقل نگردد هبه آن صحیح نباشد و فروخته نشود حبس نامیده می‌شود.



و ماده ۵۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تبسیل شود. منظور از حبس نمودن عین مال، نگه داشتن عین مال از نقل و انتقالات و همچنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد؛ زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم (اشخاصی که بر ایشان وقف شده است)، از مال موقوفه است و به همین جهت آن را وقف نامیده‌اند. منظور از تشکیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند، امور خیریه و اجتماعی می‌باشد" (امامی، ۱۳۷۸: ۷۳).

وقف در دوره اسلامی

همان‌طور که گفته شد وقف در دوره‌های ابتدایی ورود اسلام به ایران با آنچه در سال‌های بعد مورد استفاده قرار گرفت متفاوت بوده است و مفهومی جدای از دوره‌های بعد را در برگرفت. در دوران بنی‌امیه وقف گسترش یافت و مردم به آن روی آوردند. وقف از انحصار وقف بر فقرا و مساکین خارج گشت و بعد از آن برای مدتی دچار رکود گردید چراکه وقف بیشتر با عنوان یک مسئله اقتصادی که با اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه در پیوند نزدیک است و به دلیل آشفتگی ایران تا تشکیل اولین حکومت‌های ایرانی اوضاع وقف و اوقاف هم با تحولاتی روبه‌رو گردید و افق‌های جدیدی پیش روی آن قرار دارد. البته در دوره‌های طاهری و صفاری که خیلی زود جای خود را به دیگری می‌بخشیدند، وقف آن‌چنان شکوفا نشد اما در زمان خلفای عباسی با تأسیس مراکز علمی و آموزشی برای تأمین زندگی طلاب و مدرسین و خدام و ایجاد پناهگاه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ گسترش یافت و در زمان سامانیان آن‌چنان فرهنگ وقف رشد و گسترش پیدا کرد که دیوان و یا اداره مخصوصی برای آن در نظر گرفته شد تا بیشتر به آن توجه شود و به عواید و املاک موقوفه رسیدگی شود (بیات، ۱۳۷۰: ۴۰). این سنت در زمان بویه‌یان ادامه یافت و در زمان امرای مختلف بویه‌ی مخصوصاً عضد الدوله دیلمی امور عام‌المنفعه و وقفیات عام برای عموم مردم بیشتر صورت پذیرفت و از وقفیات مهمی که او انجام داد می‌توان به بیمارستان عضدی اشاره داشت. این بیمارستان ۲۴ پزشک داشت و تمام وسایل دارو و جراحی و کحالی و شکسته‌بندی در آن موجود بود (ر. ک. شهابی، ۱۳۴۳: ۶).

عضد الدوله دیلمی در شیراز کتابخانه‌ای را وقف کرد که به گفته مقدسی هیچ کتابی نبود که در آن زمان تألیف نشده بود، مگر اینکه در این کتابخانه موجود باشد و کتاب‌های آن را بر اساس علوم مختلف در کتاب‌هایی گذاشته بودند (صفا، ۱۳۷۸: ۲۶۱).

نقیب ابو احمد موسوی پدر سید رضی بعضی از املاک خود را وقف امور خیریه نمود. در سال ۳۸۳ ق. ابونصر شاپور بن اردشیر در بغداد دارالعلمی ساخت و کتب زیادی بر آن وقف نمود. همچنین ابومنصور بن بهرام بن مافنه وزیر ابوکالیجار و ملقب به وزیر عادل در فیروزآباد فارس مدرسه‌ای عظیم ساخت و هفت هزار مجلد کتاب بر آن مدرسه وقف نمود (ر. ک. تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴: ۲۲۳۱). در دوره غزنویان هم شاهد وقفیاتی از این موارد هستیم از جمله سلطان محمد غزنوی در غزنین مسجد جامعی را بنا کرد. این مسجد آن‌چنان عظیم و باشکوه بود که آن را عروس فلک لقب داده بودند و در کنار این مسجد مدرسه‌ای همراه با کتابخانه‌ای ساخته و سپس دیه‌ها و مستغلات زیادی را بر آن مسجد و مدرسه وقف نمود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۲، ۶۳۹).

سلجوقیان

ظهور سلجوقیان که نخستین بار از جانب شرق ایران به تاریخ اسلام قدم نهادند آغاز دورانی جدید و پرآوازه در قسمت وسیعی از دنیای اسلام می‌باشد. آنان گروهی از ترکمنان غز بودند که در حدود سال ۳۷۵ ق در ایام دولت سامانی در دشت‌های مجاور دریای خوارزم، آمو دریا و سیردریا سکونت داشتند. پس از قبول اسلام تحت ریاست سلجوق بن دقاق به مناطق مسلمان نشین ماوراءالنهر کوچ کردند و پس از درگذشت سلجوق و پسرش دقاق در اطراف بخارا سکنی گزیدند. آنان توانستند در جنگ دندانقان (۴۳۱ ق) غزنویان را از خراسان بیرون رانده و سلسه سلجوقیان را بنیان‌گذاری کنند. آنان اساس یک حکومت مطلقه مرکزی را که سه پادشاه بزرگ سلجوقی، یعنی طغرل اول و آلب ارسلان و ملکشاه (۴۲۹-۴۸۵ ق) از ری از سال ۴۳۴ ق و سپس اصفهان از سال ۴۴۳ ق بر این متصرفات وسیع حکم می‌نمودند، به وجود آوردند.

کارکرد وقف بر ایجاد و گسترش نظامیه در دوره سلجوقیان

در ابتدای سلسله سلجوقی قبل از آنکه خواجه نظام الملک قدرت را در دست بگیرد برتری از آن مذهب حنفی و وزارت در دست خواجه عمیدالملک کندی قرار داشت. ابونصر کندی اهل قریه کندر در خراسان در عصر طغرل بیگ به وزارت رسید. عمیدالملک کندی که حنفی مذهب بود متعصبی بود، در حالی در اوایل حکومت سلجوقیان وزارت را در دست گرفت که سلجوقیان نیز بیشتر به دلایل ارتباط با مسلمانان مناطق شرقی ایران با دین اسلام آشنا شده و به مذهب غالب حنفی گرویده بودند. عمید الملک کندی از این فرصت هم مذهب بودن با سلجوقیان استفاده نمود و شافعیان و شیعیان را تحت فشار



گذاشت. او از طغرل اجازه گرفت تا بر منابع خراسان رافضیان لعن نمایند و وقتی مجوز این کار را به دست آورد دستور داد تا اشعریان را نیز لعن کنند. سرانجام خواجه نظام الملک بر کندی غلبه یافت و با غلبه سیاسی بر کندی، مذهب شافعی را نیز بر حنفی فایق گردانید. شافعیان گریخته به وطن خود بازگشتند تا با همت و نیروی اندیشه نظام الملک بر رقبای مذهبی خود برتری یابند (چاهیان، ۱۳۹۵: ۹۶ به نقل از قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۲۰).

خواجه نظام الملک بعد از این غلبه سیاسی و تصدی بر منصب وزارت می‌کوشید تا ساختمان امپراتوری سلجوقی را نگه دارد. واکنش‌های مذهبی- سیاسی آلب ارسلان نشان می‌دهد که او به اندیشه‌های مذهبی و سیاسی نظام الملک احترام می‌گذاشت و تحت تأثیر او قرار داشت. به طوری که نظام الملک در مقابله با جریانات سیاسی- مذهبی با قدرت عمل می‌کرد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۵۶). او در درجه اول درصدد احیاء قدرت مذهبی تسنن و دور کردن مخالفان این مذهب از دربار و دیوان بود. نظام الملک روزگار حکومت طغرل و آلب ارسلان را دوره‌ای مقبول و مطلوب می‌داند؛ زیرا سلاطین سلجوقی و ترکان فقط به اهل تسنن توجه داشتند آلب ارسلان خود نیز با به‌کارگیری شیعیان در دربار و دیوان حتی در مشاغل پست مخالف بود (نظام الملک طوسی، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

خواجه نظام الملک که تحت تأثیر اندیشه ایرانی‌شهری قرار داشت (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷۸) سعی نمود تا کشوری متفاوت با حکومت‌های قبل از خود ایجاد کند و کشور ایران را به کشوری واحد و یکپارچه تبدیل کند. تأسیس مدارس نظامیه به همین منظور صورت گرفت تا مملکت ایران را به وحدت سیاسی مطلوب برساند. در واقع خواجه نظام الملک توانست جنبش مدرسه‌سازی سنی که در نیمه دوم سده چهارم آغاز شده بود را جهت اجرای اهداف خود و برای هم‌آورد جویی با اندیشه معتزلی و پس از آن در برابر نهادهای فاطمی همچون مسجد الازهر که به منظور تربیت داعیان شیعه ایجاد شده بود به اوج و اعتلای خود رسانید (باسورث، ۱۳۷۱: ۷۶). افزون بر این نظام الملک خود نیز علاقه‌مند به علم بود و خاستگاهی علمی داشت (ابن خلکان، ۱۳۸۱: ۳۷۷) به همین خاطر به پرورش علم و طالبان علم اهمیت می‌داد و درگاه وی همواره از وجود دانشمندان، علما، فقها و قاریان انباشته و به گونه‌های مختلف هوادار آن‌ها بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۲: ۱۸۵).

نظام الملک مراکز علمی خود را که به نام وی نظامیه خوانده می‌شدند در شهرهایی همچون اصفهان، نیشابور، بلخ، هرات، مرو، بغداد و بصره ایجاد و توسعه داد (سبکی، بی تا: ج ۴: ۳۱۳). در عصر خواجه نظام الملک بر خلاف دوران قبل که سعی داشتند به دلایل

سیاسی و در جهت مراکز سیاسی خویش سعی در مهاجرت دادن اندیشمندان و تمرکز مدارس در آن مرکز داشتند، خواجه نظام الملک در شهری اگر دانشمند فرهیخته‌ای را می‌دید برای وی مدرسه‌ای بنا می‌کرد و موقوفاتی برای مدرسه قرار می‌داد و در آن مدرسه کتابخانه تأسیس می‌نمود (بنداری، ۲۵۳۶: ۶۵؛ کاتب اصفهانی، ۱۴۲۵: ۲۱۹).

خواجه هزینه ساخت مدارس و مواجب و مقرری علما و طلاب را از محل عشر مال دیوانی تهیه می‌کرد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۸۱). همچنین کتابخانه‌های نظامیه‌ها و کتاب‌های آن‌ها نیز از سوی خواجه وقف گردیدند که بدون تردید آن‌ها هم از طریق عشر دیوانی تهیه شده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۲: ۱۳۶۰).

خواجه پس از سازمان‌دهی سپاه سلجوقی که در جهت تأمین امنیت و اقتدار امپراطوری سلاجقه در اولویت قرار داشت به اوضاع علما و طلاب و بهبود معیشت آن‌ها توجه داشت تا قبل از آن علما از سطح زندگی پایینی برخوردار بودند. برای دانشمندان و شایستگان حقوقی تعیین کرد که در پرداخت آن‌ها تأخیر پیش نمی‌آید (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۸۱). وی همواره به‌طور مختلف بر نظامیه‌ها نظارت داشت و برای اجرای درست برنامه‌های آموزشی برای آن‌ها اصرار می‌نمود. حتی در سال ۴۷۹ ه. ق. هنگامی که خواجه نظام الملک همراه ملک‌شاه به بغداد آمد از نظامیه و کتابخانه آنجا سرکشی کرد و نقایصی را که می‌دید یادآوری می‌نمود. همچنین پسرانش را که زیر نظر وی تربیت یافته بودند به اداره نظامیه بغداد را در دست داشت (بنداری، ۲۵۳۶: ۹۰) رویهمرفته با توجه به ایجاد این نظام آموزشی گسترده و هماهنگ، برای پیشبرد برنامه‌های آن بهتر بود تا به شکلی منسجم اداره گردد تا با اداره مدارس و اوقاف آن‌ها بتواند منابع مالی را به‌خوبی در جهت اهداف فرهنگی سیاسی مورد نظر به کار گیرد. به همین خاطر در هر نظامیه تولیتی قرار داشت که اداره مدرسه و اوقاف آن نظامیه از وظایف وی بود. این متولی که خود نیز حقوقی داشت تأمین حقوق و مواجب مدرسین و طلاب آن‌ها دارای حقوق و مواجب مشخص و معین بودند (راوندی، ۱۳۷۸: ج ۸: ۳۳۳). با تثبیت موقوفات نظامیه، عواید این موقوفات برای همیشه یاریگر علما و فقها و ائمه شافعی می‌گردید (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۶۸).

برنامه‌های آموزشی طبق قوانین و مقررات وضع شده در مدرسه انجام می‌گرفت. با تأسیس مدرسه نظامیه برای وظیفه‌ی تدریس علاوه بر اجازه تدریس، شرایط علمی و اخلاقی و مذهبی، قیود و ضوابط خاصی ایجاد کردند که قبلاً سابقه نداشت. این اصول و مقررات که متضمن جنبه‌های علمی و اخلاقی مذهبی مدرسان بود، از بدو امر از جانب



شخص نظام الملک با کمال دقت و مراقبت معمول گردید و بعد وی توسط مسئولان مدرسه انجام می‌شد و این عوامل موجب گردید منصب مدرسی و امر تدریس از حالت بی‌نظمی و عدم استقراری که تا آن تاریخ داشت خارج شده تنظیم و نسق خاصی به خود بگیرد. و از این تاریخ تدریس برای هر کس در هر جا جایز نبود (کسای، ۱۳۷۴: ۶۳۹). امام محمد غزالی که از ثنویت های این عصر سلجوقیان می‌باشد و همواره در فتاوی خویش بر کسب روزی حلال تأکید دارد و در مصرف مال وقف بسیار موشکافانه برخورد می‌کند و اعتقاد به کسب روزی دارد. در مجموع چهار دسته را از تلاش برای کسب روزی معاف دانسته و مصرف مال وقفی را برای آن‌ها مجاز می‌داند که یک دسته از آن‌ها کسانی هستند که در پی کسب علم هستند و مردم از علم آن‌ها منفعت دینی می‌برند. غزالی این دسته را مجاز به استفاده از عواید اوقاف دانست و لازم نمی‌دانست تا عالمان و طلاب دغدغه معیشت و کسب روزی داشته باشند (چاهیان، ۱۳۹۵: ۹۹ به نقل از غزالی، ۱۳۸۳: ۳۲۷). غزالی با این فتوی در واقع یاریگر خواجه نظام الملک و دستگاه آموزشی وی گردید.

همان‌طور که گفته شد خواجه نخستین کسی بود که تأسیس مدارس را جزء برنامه‌ها و وظایف دولت قرار داد و توانست نظام آموزشی را تحت کنترل حکومت درآورد و در محتوای آموزش و تشکیلات داخلی و عملکرد و حتی معماری مدارس و وحدت، همبستگی و همیشگی به وجود آورد. عمل وی در تحولات تاریخی مدارس دارای اهمیت است وی در زمان حکومت آلب ارسلان (۴۵۵-۴۶۵ ق) مدرسی تحت عنوان نظامیه بنا کرد که در واقع دنباله‌ی سیر تکاملی مدارس بود که از مساجد جدا شدند و در حکم دانشگاه‌های بزرگ مخصوص تعلیم و تعلم در درس دینی و مذهبی بوده است (بنداری، ۱۳۵۶: ۱۶۳). تاج‌الدین سبکی تنها تذکره‌نویس قدیمی است که از نظامیه در شهرهای بغداد، نیشابور، اصفهان، بصره، آمل، طبرستان و موصل و هرات نام برد (سبکی، ج ۴، ۳۱۳). در میان این مدارس، نظامیه بغداد به خاطر اهمیت و شهرت بیشتری که داشت بیش از سایر نظامیه‌ها مورد توجه مورخان و تذکره‌نویسان بوده است. در مورد سایر نظامیه‌ها منابع بسیار محدود است به‌گونه‌ای که در خلال شرح زندگانی خواجه نظام الملک با ضمن ترجمه‌ی احوال برخی از بزرگان علمی و مذهبی و کتب دیگر می‌توان اطلاعات ناچیز از نظامیه‌ها از جمله نظامیه اصفهان حاصل نمود.

با توجه به جایگاه نیشابور و اهمیت آن برای خواجه نظام الملک، اولین نظامیه توسط

وی در این شهر ساخته شد. وی موقوفات زیادی را به آن‌ها اختصاص داد. امام الحرمین جوینی فقیه شافعی، که قبلاً به دلیل سختگیری‌های کندی به مدت ۴ سال به مکه و مدینه رفته بود، در اوایل حکومت آلب ارسلان به دعوت خواجه نظام الملک به نیشابور بازگشت. خواجه نظام الملک تولیت و خطابت و ریاست اصحاب شافعیه و اداره امور اوقاف مدرسه و محراب مسجد را جهت تدریس و مجلس به وی سپرد، مسئولیتی که به مدت سی سال به عهده داشت (ابن خلکان، ۱۳۸۱: ج ۷، ۲۲۵). خواجه نظام الملک خود بر این مدرسه نظارت می‌کرد و علاوه بر جوینی معمانی همچون غزالی در این مدرسه تدریس می‌کرد.

از دیگر نظامیه‌هایی که در عصر سلجوقی از اهمیت والایی برخوردار بود، نظامیه شهر اصفهان بود. شهر اصفهان به‌عنوان دارالملک سلجوقیان بعد از نیشابور و ری برگزیده شد. در این دوران به اوج تمرکز سیاسی خود دست‌یافت. یکی از شاخصه‌های دستیابی به این شکوه رونق مراکز علمی و فرهنگی می‌باشد. از سوی دیگر خواجه نظام الملک که به دنبال سیاست دستیابی به یک همسانی فرهنگی در ایران در ایران، حمایت از مراکز شافعی مذهب را دنبال می‌کرد لازم می‌دانست تا در اصفهان یکی از مراکز نظامیه‌ها مورد نظر خویش را برقرار نماید (ر.ک. کجیاف، ۱۳۸۶: ۱۲۵-۱۴۲). قدیمی‌ترین سند تاریخی درباره تأسیس نظامیه اصفهان، کتاب محاسن اصفهان مافروخی از معاصران آلب ارسلان و ملک‌شاه و وزیر آنان خواجه است که تألیف آن بین سال‌های (۴۴۵-۴۸۵ ق) در دوره پادشاهی ملک‌شاه صورت گرفته وی می‌گوید «خواجه به بنای مدرسه‌ای در جوار مسجد جامع شهر بر محله در دشت، برای استفاده‌ی فقهای شافعی فرمان داد» (مافروخی، ۲۰۱۰: ۲۷). همچنین به نظر می‌رسد که تاریخ تأسیس نظامیه اصفهان هم‌زمان با نظامیه بغداد با کمی قبل از آن صورت گرفته باشد؛ زیرا نخستین مدرس آن ابوبکر محمد بن ثابت خجندی (۴۸۳ ق) است. گفتنی است در برخی منابع، از نظامیه اصفهان به صدریه نیز یاد کرده‌اند و وجه آن را اطلاق لقب صدرالدین به شماری از خاندان خجند، عهده داران تولیت و مدرسی آن، ذکر نموده‌اند (عوفی، ۱۳۶۳: ۱۶۵-۱۶۸).

از دیگر نظامیه‌ها، نظامیه بغداد بود به دلیل آنکه دارالخلافه جهان اسلام به شمار می‌رفت برای خواجه نظام الملک بسیار اهمیت داشت تا بتواند این شهر و حوزه عراق را نیز به‌عنوان پایگاهی جهت ترویج مذهب شافعی و سیاست‌های فرهنگی خویش در پیش بگیرد؛ چراکه اگر در پایتخت جهان اسلام این اقدام انجام می‌گرفت می‌توانست اقدامش



را در ساخت نظامیه در تمام قلمرو سلجوقیان از یک مشروعیت فراگیر در بین ایرانیان و مسلمانان برخوردار گردد. تولیت نظامیه بغداد وظیفه اداره اوقاف در این نظامیه را همچون سایر نظامیه‌ها و پرداخت حقوق و مواجب شاگردان بر عهده داشت.

در نیمه دوم عصر سلجوقی با درگذشت خواجه نظام الملک و سلطان ملکشاه سلجوقی، دوران جدید و شرایط سیاسی نوینی در تاریخ این دوره با ویژگی‌ها و تمایزات خاص و متفاوت نسبت به دوره اول آغاز شد. بعد از درگذشت ملکشاه سلجوقی شرایط فرهنگی متفاوتی در کشور آغاز گردید. فرزندان خواجه نظام الملک و وارثان دیوانی وی دیگر قدرت و برتری پیشین نداشتند تا الگوی فرهنگی خواجه نظام الملک را که با ساخت نظامیه‌ها سعی در ایجاد همسانی فرهنگی داشت را دنبال کنند و مذهب شافعی و کلام اشعری را گسترش دهند. پس از این نظامیه‌ها به تدریج کم رونق گردیدند. از دست رفتن این برتری باعث شد تا نخبگان سیاسی جدید که عمدتاً پیروان مذهب حنفی و شیعه بودند در کنار نخبگان شافعی مذهب که مجزا از نظامیه‌ها و فرزندان خواجه نظام الملک عمل می‌کردند با هزینه کردن سرمایه‌های دیوانی، وقفیاتی را برای تأسیس بنیادهای علمی و فرهنگی مورد نظر خود بپردازند.

کتابخانه سازی عصر سلجوقی

جنبش و روند ساخت کتابخانه و وقف کتاب که در دوره آل بویه و بیشتر در حوزه ایران غربی آغاز شده بود، در دوران سلجوقی تداوم یافت. عمیدالملک در زمان وزارت کوتاه مدت خویش با نجات کتابخانه بغداد از دست غارتگران این روند دنبال نمود. در عصر خواجه نظام الملک گرچه در نظامیه‌ها نیز کتابخانه‌هایی ایجاد شد ولی از آنجا که مدارس نظامیه به پیروان مذهب شافعی تعلق داشت حنفی‌ها نیز مدارس و کتابخانه‌هایی برای خود در نظر می‌گرفتند. برای استفاده عامه مردم شهر از کتابخانه‌ها و بدون در نظر گرفتن نگرش مذهبی خاص، لازم بود تا کتابخانه‌های عمومی و مستقل از مدارس گسترش یابند. منطقه خراسان از جمله مناطقی است که در آن مدارس مستقل از نظامیه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و مستقل از مدارس شکل گرفتند. شهر مرو در خراسان یکی از نقاطی است که در عصر سلجوقی که در عصر سلجوقی محل تجمع کتابخانه‌های وقفی قرار گرفت. در شهر مرو پیروان مذهب شافعی و حنفی مسجد جداگانه داشتند، علاوه بر نظامیه‌ها، مراکز علمی و مدارس و کتابخانه‌های دیگری نیز وجود داشت (چاهیان، ۱۳۹۵: ۱۱۳؛ ظهیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۲) آنگونه که یاقوت حموی نقل می‌کند حدود ده کتابخانه وقفی وجود

داشت که از لحاظ تعداد کتاب و ارزش کتاب‌ها بی نظیر بودند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۵، ۱۱۴).

گاهی کتابخانه به مجموع مسجد جامع شهر الحاق می‌شد تا بدین گونه با توجه به وجود جایگاه مذهبی مسجد در شهر و با اتکاء به موقوفات مسجد جامع قرار داشتند یکی از آن‌ها عزیزیه و دیگری کمالیه بود که واقف آن مشخص نمی‌باشد. در کتابخانه عزیزیه دوازده هزار جلد کتاب جمع آوری شده بود (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۱۱۴). جمع آوری این حجم از کتاب می‌تواند ناشی از عللی چون در نظر نگرفتن نگرش مذهبی خاص، توجه به سلاقی عمومی و پیروان همه مذاهب می‌باشد. طبیعتاً این نگرش زمینه و قفیات بیشتری را فراهم می‌آورد. تا بر اساس عرف و سنت پیشین، علاوه بر بخش‌های وابسته به حاکمیت و وزرا و درباریان، اهل علم، نخبگان علمی و دانشمندان توانمند نیز در این فرایند تأثیرگذار باشند. از دیگر کتابخانه‌های عمومی این شهر می‌توان از کتابخانه عمیدیه یاد کرد که توسط عمیدالملک ساخته شد و آن را وقف عام نمود. بخشی از کتابخانه‌ها نیز در مدارس بودند وقف مجموعه مدارس می‌شدند. کتابخانه شرف الملک نیز توسط مستوفی ابو سعد محمد بن منصور در مدرسه‌ای جهت حمایت از حنفی مذهب ساخته شده بود و آن را وقف نمود (ر. ک. یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۵: ۱۱۴).

شهر نیشابور نیز که در عصر سامانیان و غزنویان اوج رونق علمی خود را پشت سر گذاشت در دوره سلجوقیان نیز این رونق علمی با ایجاد مدارس و کتابخانه‌ها تداوم یافت. حجم و تعداد کتابخانه‌ها در گزارش ابن اثیر درباره آثار و نتایج حملات غزان به این شهر تا حدودی قابل تصور خواهد بود. در سال‌های ۵۵۳ تا ۵۵۶ ق. که غزان در تداوم نبرد با سلطان سنجر سلجوقی خراسان را مورد تاخت و تاز قرار دادند، نیشابور را با تمامی مراکز علمی و فرهنگی غارت نمودند. ویران شدن هشت مدرسه حنفیان و هفده مدرسه شافعیان در این شهر نشان از اهمیت علمی این شهر دارد. علاوه بر پنج کتابخانه که آتش گرفتند هفده کتابخانه نیز غارت شدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۲: ۹۸).

کتابخانه واقع در مسجد جامع شهر ساوه نیز در تداوم رونق کتابخانه‌های مستقل در عصر سلجوقی قابل اشاره می‌باشد. ابوطاهر خاتونی از دیوانیان و بزرگان سلجوقی در سده ششم هجری، یک کتابخانه بزرگ ایجاد و وقف گردید (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۸).

علاوه بر کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های وابسته به مدارس یکی از جاهایی که به آن‌ها کتاب اهدا و وقف می‌شد رباطها و مراکز اهل تصوف هستند. یکی از شرایط



صوفیان در عصر سلجوقی و به‌ویژه در عصر سهروردی برای پوشیدن خرقة درویشی رها کردن اموال و وقف کتاب‌های شخصی می‌دانستند (جامی، ۱۸۵۸: ۴۷۹).

وقفیات انجام شده توسط سلاطین سلجوقی

تعدادی از سلاطین سلجوقی از بانیان بزرگ مساجد، مدارس، دارالشفاء، رباط و سایر مشاهد مذهبی بودند. آن‌ها از حامیان صدیق علما به شمار می‌رفتند آن‌ها با انجام این امور هم به تقویت مسائل سیاسی می‌پرداختند و هم تسلط بر امور مذهبی و متولیان آن دانست که با این کار حمایت متولیان مذهبی را برای آن‌ها به دنبال داشت. همچنین با انجام این امور انگیزه تقوای مذهبی را نیز به همراه داشت.

برای تأکید این گفته می‌توان اشاره کرد که در زمان سلجوقیان به قدری به امور خیر توجه داشته‌اند. که به احیای معالم دینی و قواعد مسلمانی می‌پرداختند و مدارس رباطها قنوت و امور عام‌المنفعه و تشکیلات اوقافی به راه انداخته‌اند که درآمدهای آن‌ها از جمله علما، صلحا، قضات، سادات، زهاد و عباد را شامل می‌شده است که در هیچ روزگاری به این ترتیب نبوده است و آثار آن در ممالک اسلام هنوز باقی است.

باید گفت که در دوره‌های قبل سلجوقی وقف وضعیت مشخصی نداشت و مکان و اداره‌ی به خصوصی که به امور وقف رسیدگی کند ظاهراً وجود نداشته است هر چند در دوره آل بویه اداره‌ی به نام اداره‌ی اوقاف وجود داشته که اطلاعاتی مبنی بر اینکه در این دوره سازمان ویژه‌ای به نام دیوان اوقاف مانند دوره‌های بعد وجود داشته یا نه یافت نشد.

بیشتر واقفان این دوره به ترتیب متعلق به قشر دیوانی با ۱۳ نفر یعنی ۵۰٪ از کل ۲۶ نفر واقف می‌باشند. سپس خاندان سلطنتی با تعداد ۵ نفر واقف یعنی ۲۳٪ در رتبه دوم واقفان و اقشار اجتماعی حاکمان با ۴ نفر واقف و ۱۵/۳۸٪ در رتبه سوم و گروه مردم عادی نیز با ۳ نفر واقف و ۱۱/۵۳٪ در پایین‌ترین رتبه تقسیم‌بندی قرار گرفته است. بنابراین بیشتر واقفان دوره سلجوقی از اقشار دیوانی بود. از بین این وزرا ۶ نفر از آن‌ها شیعه مذهب بود و همه‌ی آن‌ها به غیر از یکی در کاشان اموالشان را وقف نموده‌اند. ۴ وزیر دیگر سنی مذهب بودند و ۳ نفر باقی مانده هم جزو خواجه و کنیزان درباری بودند.

از میان خاندان سلطنتی ۶ نفر واقف وجود داشت. در این بین از سلاطین سلجوقی عراق تنها از طغرل سوم یک رقبه شناسایی شد. از میان حاکمان این دوره نیز ۴ نفر واقف شناسایی شد مه ابراهیم طمغاج بن نصر حاکم سمرقند، شاه غازی حاکم طبرستان،

ارسلان خان حاکم بخارا و سلطان قطب‌الدین حاکم یزد بودند. جدول شماره ۱ لیستی از واقفان دوره سلجوقی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱ (واقفان سلجوقی)

| ردیف | نام وقف | سال وقف | موقعیت جغرافیایی |
|------|-------------------------------------|---------------|------------------|
| ۱ | خواجه نظام الملک طوسی | ۴۵۸ هجری قمری | شهر |
| ۲ | ابواسحاق ابراهیم بن نصر قراخانی | ۴۵۸ هجری قمری | شهر |
| ۳ | امیر منصور خمارتاش بن عبدالله عمادی | ۴۵۸ هجری قمری | شهر |
| ۴ | شاه غازی رسم بن علی بن شهریار | | شهر |
| ۵ | ملک تورانشاه بن قارود سلجوقی | | شهر |
| ۶ | زیتون خاتون | | شهر |
| ۷ | ملک محمد بن ملک ارسلانشاه سلجوقی | | شهر |

درباره دو سلطان نخست یعنی طغرل و آلب ارسلان اولی به دلیل آنکه بیشتر اوقاتش را مصروف فتوحات کرده و به احتمال قومی به امور خیر به اندازه چشمگیری نپرداخته بود یا اگر هم بوده در منابع اشاره چندانی به آن نکرده‌اند و اما دوره آلب ارسلان هم به دلیل کوتاه بودن عمرش چیزی از او باقی نمانده است اما در زمان سلطان ملک‌شاه و به دلیل خواجه نظام الملک و اقدامات او همان‌طور که گفته شد شاید محرکی برای ایجاد انگیزه در این سلطان بوده باشد، چراکه در تجارب السلف گفته شده «در ایام که نظام الملک مشغول بنای مدارس مشهور خود بود ملک‌شاه نیز به تقلید از او به ایجاد مدارس توجهی کرده و یکی از آن‌ها را در محله گران اصفهان ساخته و خلاف نظام الملک که در مدارس فقه شافعی را تدریس می‌کرد او این مدرسه را به هر دو فقه شافعی و حنفی اختصاص داد» (نخجوانی، ۱۳۵۷: ۳۷۷-۳۸۸).

در سرزمینی که اساس حکومت آن بر پادشاهی و سلطنت است؛ به‌نوعی همه امور در دست سلطان قرار داشته است چراکه رئیس تشکیلات سیاسی و مذهبی شناخته می‌شده است؛ دوره سلجوقی از لحاظ سیاسی آن جایی که حکومتی مذهبی شمرده می‌شود و از آن جایی که سلطان هم به‌عنوان جانشین و سایه خدا بر روی زمین شناخته می‌شده است، دارای قدرت است پس تعیین سلسه مراتب مقامات عالی نیز توسط او انجام می‌گرفته است از جمله این مقامات عالی تعیین متولی اوقاف است.



با نگاهی دقیق به منشورها و تویچه‌ها، حکومت برای ثبات دولت و بنیان پادشاهی و نظم بخشیدن به امور و رسیدگی به احوال مملکت، نیازمند کسب رضایت خداوند بوده‌اند و برای رسیدن به این امر مهم، رسیدگی به قواعد عدل و اجرای احکام اسلامی میسر گردانید. با این توضیحات، رسیدگی به امور مذهبی از جمله وقف از مهم‌ترین مسائل مذهبی بوده که برای سلطانی که داعیه حق و عدالت دارد، رسیدگی به امور مذهبی از امور واجب بوده است. پس به این ترتیب خود سلاطین سلجوقی به نوعی متولیان امور اوقاف بودند.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران اسلامی، دوران سلجوقیان می‌باشد که درایت برخی از پادشاهان و وزاری این دوره باعث شد که فرهنگ و تمدن اسلامی در این دوره روند رو به رشدی داشته باشد و مسیر هموارتری را طی کند.

از مهم‌ترین مراکزی که در این دوران باعث گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی گردید ایجاد مراکز نظامیه در شهرهای مختلف اسلامی است که توسط خواجه نظام الملک طوسی احداث گردید. این مراکز برای آموزش فقه شافعی ایجاد شد و به همین دلیل علمای این فرقه به شدت از این عمل حکومت حمایت کردند و حکومت نیز برای اداره کردن این مکان‌ها موقوفات زیادی را به آن اختصاص داد و بعضاً اداره این مدارس و موقوفات آن را به علمای دین می‌سپرد و همین امر باعث ماندگاری این مراکز گردید. وقف برای آموزش و بخصوص کتابخانه‌ها و ایجاد موقوفات خاص برای دانشجویان و اساتید نظامیه‌ها از ویژگی‌های خاص دوران سلجوقی است که الگوی مهمی در جهت رشد تمدن اسلامی در طول تاریخ می‌تواند باشد.



کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱)، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۲۲، تهران: مطبوعات علمی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، (۱۳۸۱)، *منظر الانسان*، ترجمه احمد بن محمد بن عثمان بن علی بن احمد سنجر، تصحیح فاطمه مدرسی، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- اصفهانی، محمود بن محمد بن الحسن، (۱۳۶۴)، *دستور الوزاره*، محقق رضا انزابی نژاد، تهران: امیر کبیر .
- امامی، سید حسن، (۱۳۷۸)، *حقوق مدنی*، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- باسورث، کلیفورد ادموند، (۱۳۷۱)، *تاریخ سیستان*، ترجمه حسین بن محمد آوری، به کوشش عباس اقبال، تهران: امیرکبیر.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی، (۲۵۳۶)، *تاریخ سلسه سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- بیات، عزیزالله، (۱۳۷۵)، *تاریخ ایران از ظهور اسلام تا دیالمة*، تهران: دانشگاه بهشتی.
- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۷۴)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- تنوی، قاضی محمد، آصف خان قزوینی، (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، مصصح غلامرضا طباطبایی، ج ۴، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ترکمنی آذر، پروین، (۱۳۸۵)، «سلجوقیان، اختلاف مذهبی و پیامدهای آن»، *پژوهش های علوم انسانی*، شماره ۵۱، صص ۵۵-۷۰.
- جامی، عبدالرحمان، (۱۸۵۸)، *نفحات الانس*، مصصح ویلیام ناسیولیس، غلام عیسی مولوی، کلکته: مطبوعه لیبسی.
- چاهیان، علی اصغر، (۱۳۹۵)، *وقف در ایران از ورود اسلام تا سده هفتم هجری*، پایان‌نامه مقطع دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ دانشگاه تبریز.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۸، تهران: امیر کبیر.
- سبکی، تاج الدین بنابی نصر، (بی تا)، *طبقات الشافعیة الکبری*، تصحیح عبد الفتاح محمد حلو، جلد ۴، قاهره: دار الحیاء الکتب.
- شهابی، علی اکبر، (۱۳۴۳)، «تاریخچه وقف در اسلام»، *ایرانشهر*، ج ۲، شماره ۲۲، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۸)، *آموزش و دانش در ایران*، تهران: نوین.
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۵)، *خواجہ نظام الملک گفتار در تداوم فرهنگ ایرانی*، تبریز: ستوده.
- ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین، (۱۳۳۲)، *سلجوقنامه*، تهران: کلاله خاور.
- عوفی، محمد، (۱۳۶۳)، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، به سعی و کوشش جعفر شعار، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۳۸۳)، *کیمیای سعادت*، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قزوینی رازی، (۱۳۵۸)، *التنقض بعض مطالب النواصب فی نقض بعض الفضايع الروافض*، تصحیح جلال الدین محدث، تهران: انجمن اسلامی ملی.
- قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳)، *آثار العباد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگیر میرزا آقا خان، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- کاتب اصفهانی، عماد الدین، (۱۴۲۵)، *تاریخ الدوله سلجوق*، تصحیح سید محمد البغدادی، قاهره: مکتبه الشرفیه.

- کجیاف، علی اکبر، (۱۳۸۶)، «بررسی علل کشمکش های مذهبی میان خجندیان و صاعدیان در اصفهان عصر سلجوقی»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا*، سال هفدهم، شماره ۶۵.
- کسایی، نورالله، (۱۳۷۴)، *مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران: امیرکبیر.
- مافروخی، مفصل بن سعد، (۱۳۸۵)، *محاسن اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی اصفهان.
- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، (۱۳۵۷)، *تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرای ایشان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری.
- نظام الملک، ابو علی بن حسن طوسی، (۱۳۸۷)، *سیرالملوک*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، (۱۹۹۵)، *مجمع البلدان*، ج ۵، بیروت: دارصادر.